

امکان سنجی انطباق براندازی نرم نظام اسلامی با جرم افساد فی الارض

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۲۰ محمدصادق ایران عقیده*
وعلیرضا صابریان** و سیدعلی جبار گلباغی ماسوله***

چکیده

براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی که در شمار انقلاب‌های مخملی و رنگی قرار دارد، از مباحث نوظهور در ادبیات فقه سیاسی و جزایی است. شیوه اقدامات براندازان نرم، نوعاً، بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی و تمرکز بر حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، با ترغیب به فساد و اشاعه آن، تشویش اذهان عمومی و اختلال در نظم عمومی جامعه، با هدف نیل نظام اسلامی به سوی فروپاشی و سرنگونی است. این واقعیت، ضرورت سخن از جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی را نمایان می‌سازد. افساد فی الارض، یکی از عناوین مجرمانه‌ای است که مقاله پیش رو، با روی‌نهادن به مفهوم‌شناسی و توصیف ویژگی‌های آن، مترصد سنجش امکان انطباق براندازی نرم نظام اسلامی با آن است تا از این رهگذر، به جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی دست یابد و براندازی نرم نظام اسلامی را یکی از مصادیق و پدیده‌های مجرمانه نوظهور جرم افساد فی الارض، نتیجه گیرد.

واژگان کلیدی

براندازی نرم، افساد فی الارض، براندازی نرم نظام اسلامی، جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی

* دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری: hadi.iran.51@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان: ali1341ali@gmail.com

*** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان: pm.sadra87@gmail.com



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مقدمه

در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی که برخاسته از اراده امت ایران اسلامی است، مخالفان و دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، با هدف براندازی و نابودی این نظام مشروع و مردمی، به اقدامات خشونت‌آمیز گوناگونی؛ مانند شورش‌های مسلحانه، ترور و جنگ، متوسل شدند، لکن در نیل به هدف مذکور، ناکام ماندند. امروزه، قدرت‌های مستکبر جهان، با دریافت ناکارآمدی اقدامات خشونت‌آمیز فیزیکی، برای براندازی نظام‌های مشروع و مردمی، شیوه متفاوتی را برگزیده‌اند که در ادبیات سیاسی معاصر، به نام‌هایی؛ مانند انقلاب‌های رنگین و مخملی و براندازی نرم، شناخته می‌شوند (عرف، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

اقدامات خشونت‌آمیز فیزیکی؛ مانند ترور، تخریب، درگیری مسلحانه که برای مقابله و سرنگونی نظام اسلامی انجام می‌گیرد، در شمار اقدامات مجرمانه‌ای است که در مجامع احادیث فقهی و متون فقهی، با عناوینی؛ مانند محاربه و بغی، جرم‌انگاری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۲۰؛ همو، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۶۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۲۵۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۲۸۷؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۱۴۹؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۵۷۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۴۱، ص ۳۸۵ و وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۴۹۹).

به گواهی بررسی متون و منابع تاریخی، در زمان‌های گذشته، براندازی نرم نظام اسلامی، از فراوانی و شیوع چشم‌گیر، برخوردار نبود و نوع و مورد غالب براندازی نظام اسلامی، شورش علیه حکومت و حاکم اسلامی با توسل به شیوه‌های براندازی سخت بود. در ادبیات فقه سیاسی و جزایی و آثار فقهی، فقیهان پیشین، براندازی نرم حکومت اسلامی، از مدخل‌ها و موضوعات مباحث فقه سیاسی و جزایی نبوده است و از این‌رو، بسی طبیعی است که تا کنون، اثر فقهی مستقلی درباره براندازی نرم حکومت اسلامی، به نگارش در نیامده است؛ چه این‌که براندازی نرم و به ویژه براندازی نرم نظام

جمهوری اسلامی، پدیده‌ای نوظهور در ادبیات سیاسی و از مباحث مستحدثه در فقه سیاسی و جزایی اسلام به شمار می‌آید.

بررسی پژوهش‌های انجام‌یافته در چند دهه اخیر، از اهتمام برخی از نویسندگان و پژوهشگران، به بحث درباره براندازی نرم نظام اسلامی، گزارش می‌دهد که هر یک از منطری خاص، براندازی نرم را موضوع پژوهش و سخن ساخته‌اند و البته در این میان، برخی از کتاب‌ها و مقالات، نگاهی فقهی - حقوقی به براندازی نرم دارند.

نوشتار پیش رو، به جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی می‌نگرد؛ در آثار پژوهشگران معاصر نیز توجه کم‌تری به بحث فقهی - حقوقی جرم‌انگاری شیوه مجرمانه براندازی نرم نظام اسلامی دیده می‌شود؛ از این رو، جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، هم‌چنان در شمار موضوعات مستحدثه و نوظهور در فقه سیاسی و جزایی اسلام قرار دارد.

توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها که در شمار ضوابط اجرای قوانین موضوعه قرار دارد و لزوم واکنش عمومی برابر رفتارهای پر خطر و مخالف امنیت و آسایش همگانی، جهت حفظ نظام و دفاع از امنیت و مصالح جامعه، در کنار فقدان ماده‌ای قانونی در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین جزایی کشور در خصوص براندازی نرم نظام اسلامی که اصل نظام جمهوری اسلامی و امنیت و مصالح جامعه ایران را هدف قرار می‌دهد و نیز الزام قانون اساسی به اسلامی بودن قوانین کشور که مستلزم مستند و متکی بودن قوانین جزایی، به احکام و فتاوی فقهی است، مجموعاً، ضرورت و اهمیت بحث از جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی را از منظر فقه اسلامی نمایان می‌سازد.

مقاله پیش رو، با هدف تبیین مبانی فقهی جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، در پژوهشی کتابخانه‌ای، به روش توصیفی - تحلیلی، با استمداد از منابع اجتهادی و مراجعه به متون فقهی و بررسی آرای فقهی فقیهان امامیه، مترصد اثبات این فرضیه است که با توجه به توسیع مفهومی و ویژگی‌های افساد فی الارض، امکان انطباق براندازی نرم، با جرم افساد فی الارض، فراهم است و می‌توان براندازی نرم نظام اسلامی را با لحاظ معیارهای فقهی، در قالب جرم افساد فی الارض، جرم‌انگاری و کیفرگذاری کرد.

تعریف براندازی نرم

براندازی نرم، اجرای برنامه‌ای حساب‌شده، مسالمت‌آمیز و درازمدت، برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام، به منظور تغییر سیستم سیاسی یک کشور و یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی آن است. امروزه، از براندازی نرم، با تعبیر مختلفی نام برده می‌شود که هر چند ممکن است دارای تفاوت‌های ظریفی با یکدیگر باشند، اما همه آن‌ها، بیان‌گر معنا و هدفی مشترک هستند که ساقط کردن نظام حاکم، با روش‌های نوعاً مسالمت‌آمیز است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷).

براندازی، در لغت، به معنای تغییر شکل دادن، دگرگون‌ساختن، واژگون‌سازی، از میان برداشتن و نابود کردن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۰۷۴) و در اصطلاح، به معنای انهدام و سرنگونی حکومت مستقر و تغییر در آن، از طریق انجام اعمال و فعالیت‌های غیر قانونی ضد مصالح یک کشور است (رستمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵؛ فاروقی، ۲۰۰۸م، ص ۵۰۵ و قهرمان‌پور، ۱۳۹۳، ص ۲۷۴).

اصطلاح براندازی نرم، از واژه‌های جدید در ادبیات فقه سیاسی معاصر است و نام برای اقداماتی غیر قانونی است که با کم‌ترین خشونت، جهت سقوط و یا تغییر نظام‌های حاکم و مشروع در کشور اجرا می‌گردد. ساقط کردن نظام و حکومتی مشروع، با استفاده از روش‌های تأثیرگذار بر اعتقادات و باورهای شهروندان و بی اعتماد کردن عقبه حکومت و در نهایت، فروپاشی از درون و اضمحلال حکومت است (آقابابایی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۸).

تفاوت براندازی نرم، با براندازی سخت و سنتی، در شکل و شیوه اجرای آن‌ها است؛ وگرنه در هدف و نتیجه، آن دو، مشترک و یکسان هستند. کارگزاران براندازی نرم می‌کوشند در ارتباطات اجتماعی، بستری فراهم سازند تا در مرحله نخست، میزان مشروعیت و مقبولیت خود را در جامعه هدف افزایش دهند و پس از آن، به روش‌های مختلف، نسبت به دگرگونی نظام سیاسی مستقر و مشروع اقدام کنند.

براندازی نرم که از ابزارهای جنگ نرم به شمار می‌آید، خلاف جنگ سخت، از سه

مؤلفه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، در جامعه هدف خود، بهره می‌گیرد و تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی، آرام و تدریجی بودن، زیرسطحی بودن، نمادسازی، پایداری و بادوام بودن، پرتحرک و جاذبه‌دار بودن، هیجان‌سازی، آسیب‌محوری، چندوجهی بودن و تضاد و تردیدآفرین بودن، از شاخصه‌ها و شگردهای اصلی و متنوع براندازی نرم است (انگوتی گلنگدري، ۱۳۹۶، ص ۱۷).

ویژگی‌های براندازی نرم

از مطالبی که درباره تعریف و توضیح براندازی نرم بیان می‌شود، می‌توان موارد سه‌گانه زیر را اساسی‌ترین ویژگی‌های براندازی نرم شمرد:

الف) تهاجم به نظام باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و تشویش اذهان عمومی به صورت گسترده؛

ب) فراهم آوردن زمینه‌های فساد در حد وسیع؛

پ) اختلال شدید در نظم عمومی جامعه.

براندازی نرم، مقابله سازمان‌یافته و مهندسی‌شده، از طریق هجمه به نظام باورها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، با توسل به ابزارهای فرهنگی، رسانه و شبکه‌ها و فضای مجازی است؛ بدین روش که با مهندسی و راه‌اندازی شبکه‌های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی، با عناوین و اشکال موجهی؛ همانند اندیشه‌ها، نهادها، دفاتر، کانون‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌های فرهنگی، هنری، علمی، صنفی، تبلیغی، خبری، محیط زیستی، خیریه و حمایتی مردم‌نهاد و فراملی، با آموزش و اجرای غیر مستقیم تکنیک‌هایی؛ مانند فراهم آوردن زمینه‌های فساد در سطح جامعه به طور وسیع، تشویش اذهان عمومی و اختلال شدید در نظم عمومی به صورت گسترده، اراده و خواست براندازان، بر ملت هدف، تحمیل می‌شود و با تغییر آرام و تدریجی نظام ارزش‌ها، آرمان‌ها و الگوهای رفتاری حاکم، رایج و معمول جامعه هدف و ایجاد مقبولیت و رواج همگانی نظام ارزش‌ها، آرمان‌ها و الگوهای مورد نظر براندازان، کشور هدف، به اشغال فکری و فرهنگی براندازان در می‌آید و در نهایت موجبات سقوط و سرنگونی

نظام مشروع، به دست خود جامعه هدف فراهم می‌شود و تحقق می‌یابد (همان، ص ۳۵).

نظام اسلامی

واژه نظام، مصدر فعل: نَطَّمَ يَنْظِمُ، در لغت، به معانی متعدد و گاه نزدیک به هم، استعمال گردیده است؛ مانند نظم و ترتیب‌دادن، جمع و ضمیمه‌کردن، ملاک، روش و رویه، عادت، گره، قراردادن مهره‌ها در یک سلک و ردیف، نخ‌کشی که با آن، مروارید و مانند آن را رشته کنند و مرتب سازند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸ و طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۷۶) و در اصطلاح، به مجموعه‌ای از عناصر و اجزای متفاوت گفته می‌شود که بین آن‌ها چنان ترتیب و رابطه‌ای منسجم و بنیادین وجود دارد که در قالب پدیده واحدی پدیدار می‌شوند و هر چند که هر جزئی، وظیفه‌ای خاص و متفاوت با دیگر اجزا دارد، اما از لحاظ کارکردی، به صورت درهم‌تنیده عمل می‌کنند. واژه نظام، اصطلاحی است که در دانش‌های متعدد بشری و نوعاً، به صورت مضاف، مستعمل است. در ادبیات فقه سیاسی، همانند حقوق عمومی و اساسی، از واژه نظام، حکومت و نظام سیاسی مراد است (قاضی، ۱۳۶۸، ص ۳۱۶-۳۱۵ و هاشمی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۶-۵۵). به گزارش برخی از نوشته‌های فقیهان امامیه، ترکیب واژگانی نظام اسلامی، در معنای عام، برای مجموع سامان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌ها و باورهای جامعه اسلامی به کار می‌رود که ساختار جامعه اسلامی بر آن استوار است؛ بدین گونه که در صورت اختلال در آن‌ها، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر می‌افتد و جامعه اسلامی دچار هرج و مرج می‌شود و از این‌رو، حفظ موجودیت اسلام و پاسداری از حاکمیت اسلامی و جلوگیری از رخنه دشمن به حوزه سرزمینی اسلام، به آن وابسته است (نائینی، ۱۳۸۸، ص ۴۰-۳۹ و منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۲) که جلوه و نمود عینی و خارجی آن، نظام سیاسی، حکومت و دولت مشروع اسلامی و ارکان آن است و این، همان معنای مقصود از نظام اسلامی در این نوشتار است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۶۷).

افساد فی الارض

ترکیب واژگانی افساد فی الارض، از دو واژه «افساد» و «الارض» تشکیل شده است. واژه افساد، مصدر ثلاثی مزید باب افعال است. اهل لغت، افساد را مقابل اصلاح بیان می‌دارند. افساد، به معنای پدید آوردن تباهی و نابسامانی است و در کتب لغت، برای آن، معانی متعدد و نزدیک به هم دیگری نیز ذکر شده است که از جمله آن‌ها خرابی، فتنه و آشوب، شرارت و بدکاری، تغییر کردن، کشتار، ظلم، کینه و دشمنی، لهو و لعب، بطلان و اضمحلال است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۳۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۴ق، ص ۶۳۶؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۹، ص ۸۴؛ خوری، ۱۳۷۴ق، ص ۱۶۳ و واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۶۴).

واژه الارض که عبارت افساد، به آن اضافه شده است و نوعی ترکیب جدید و تقییدی را ایجاد کرده است، به معنای محل زندگی انسان‌ها و مکان وقوع فساد و نیز بیان‌گر گستردگی و فراوانی فساد بین مردم است که سبب اختلال در نظم عمومی و سلامت اخلاقی و اجتماعی و تباهی جامعه می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۷۸؛ زراعت، ۱۳۹۴، ص ۳۹۶ و حبیب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶).

در قرآن کریم، کلمه فساد، در معانی متعددی؛ مانند هلاک شده، خونریزی، نافرمانی خداوند، ایجاد خرابی و تباهی، ظلم، فتنه و کشتار استعمال شده است (اسراء: ۱۷): ۱۶؛ بقره: (۲): ۱۱، ۱۹۱ و ۱۹۳؛ مؤمنون: (۲۳): ۷۱؛ یونس: (۱۰): ۸۱؛ اعراف: (۷): ۱۲۷؛ روم: (۳۰): ۴۱؛ نمل: (۲۷): ۳۴ و کهف: (۱۸): ۹۴).

فقها، عنوان افساد فی الارض را برای هر رفتار و عملی استعمال می‌کنند که آثار تخریبی گسترده‌ای به وجود آورد و موجب بروز فساد گسترده‌ای گردد؛ مانند اصرار بر تکرار محرمات و جرایم، دایر کردن شبکه‌های فساد در سطح وسیع، تجارت سموم قاتله، آتش زدن خانه و کاشانه مردم، کفن دزدی و احتیال که اختلال در نظم عمومی و خروج از احکام الهی و قوانین دینی که موجبات سلب ثبات و امنیت از جامعه را فراهم

می‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۹۱؛ صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۴۴۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۱۳؛ همو، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۲۰۷؛ حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۴؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۴۱۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۱۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۳۶۴؛ فخر المحققین، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۹۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۷؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۱۹؛ نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۴۳، ص ۱۲۵؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۵؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۱۶ و هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۷، ش ۱۳، ص ۳۲).

ویژگی‌های افساد فی الارض

ادبیات فقه امامیه، دو ویژگی اساسی برای تحقق جرم افساد فی الارض بیان می‌دارد.

الف) گسترده و وسیع بودن فساد

نخستین ویژگی اساسی که فقیهان امامیه برای تحقق جرم افساد فی الارض بیان نموده‌اند، گسترده و وسیع بودن عمل ارتكابی است. در افساد فی الارض، نه تنها باید عمل ارتكابی به شکل گسترده و شایع واقع شود، بلکه باید نتیجه گسترده‌ای نیز از ارتكاب آن عمل حاصل و ظاهر شود و البته گستردگی در سطح جامعه و تکرار و تکرار رفتار مجرمانه از مصادیق گستردگی برای تحقق جرم افساد فی الارض است؛ چنان‌که از ظهور تعریف واژه «الارض» در ترکیب واژگانی «افساد فی الارض» نیز این معنا مستفاد است که هرگاه فساد در سطح اجتماع و محیط زندگی مردم در حد وسیع گسترش پیدا کند، افساد فی الارض تحقق می‌یابد؛ چه این که متبادر از معنای عرفی گسترده، انتشار عمل ارتكابی به واسطه تکرار و کثرت آن در سطح جامعه است. از این رو، چه بسا ممکن است عمل ارتكابی، جزئی باشد، اما به جهت نتایج و آثار تخریبی گسترده‌ای که دارد، افساد فی الارض تحقق یابد. بنابراین، مفسد فی الارض به کسی گفته می‌شود که منشأ فساد وسیعی در جامعه است (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۳۶؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۲۳۱؛ همو، ۱۳۶۵ق، ج ۴،

ص ۲۰۷؛ همو، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۷۵؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۴۰۷؛ کیدری، ۴۱۶ق، ص ۴۹۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۵۰؛ قمی، ۳۷۹ق، ص ۵۵۸؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۲۲۰؛ نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۴۱، ص ۵۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۹۹ و زراعت، ۱۳۹۴، ص ۳۹۹).

ب) اختلال شدید در نظم عمومی

اختلال، در لغت، به معنای زیان رسانیدن، کارشکنی، اغتشاش، ناهماهنگی، نابسامانی، آشفتگی و هرج و مرج، مستعمل است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۳۷) و شدید، در لغت، به معنای سخت، قوی، هنگفت، بسیار و سهمگین است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۳۵). از این رو، اختلال شدید، به معنای نابسامانی، آشفتگی و هرج و مرج زیان باری است که به خروج از اعتدال می‌گراید.

در ادبیات فقه و حقوق، مراد از نظم عمومی، جریان قواعد و قوانینی است که امور جامعه بر اساس آن سامان دارد و قوام و اعتدال اجتماع، بر محور آن‌ها می‌چرخد. از این رو، خروج و عدم پای‌بندی و التزام عملی نسبت به قواعد و قوانینی که قوام و جریان امور و اعتدال جامعه بر آن استوار است، اختلال در نظم عمومی دانسته می‌شود. بنابراین، عملی که به اختلال شدید در نظم عمومی می‌گراید (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۴۰۴؛ انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۷۲۰؛ نائینی، ۱۳۸۸، ص ۷۶؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹؛ موسوی خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۵۵؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۲؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۷۱۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۵۹ و گلدوزیان، ۱۳۸۰، ص ۴۳۱)، مصداق افساد در جامعه است؛ چه این‌که فساد و افساد، خروج شیء از اعتدال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۲).

اختلال در نظم و عدم اعتدال در امور جامعه موجب فساد است و جامعه‌ای که بر محور نظم و انتظام حرکت می‌کند، دارای آرامش و اعتدالی هرچند نسبی است و

هرگاه، در نظم عمومی جامعه، اختلال رخ نماید، جامعه آرامش و اعتدال خود را از دست می‌دهد. از این رو، التفات به وجود رابطه مذکور بین اختلال در نظم عمومی جامعه و افساد فی الارض، این واقعیت را نمایان می‌دارد که اختلال شدید در نظم عمومی، یکی از مصادیق افساد فی الارض است.

اطلاق عنوان افساد فی الارض در آیات و روایات، اختلال شدید در نظم عمومی را در بر می‌گیرد؛ به ویژه این‌که از برخی آیات شریف قرآن کریم، منع از فعالیت اخلاص‌گران در نظم عمومی جامعه اسلامی استفاده می‌شود؛ زیرا حضور و فعالیت آنان در جامعه اسلامی، مایه فتنه، فساد و نا امنی، تفرقه، تردید و گمراهی است (بقره ۲): ۱۹۳-۱۹۱). از این رو، خداوند متعال، پیامبر خود را به منع از فعالیت‌های مفسدان و حضور آنان در صفوف مسلمین دستور می‌دهد (احزاب ۳۳): ۶۱-۶۰). این دستور، نمونه‌ای از جلوگیری و پیش‌گیری از اختلال در نظم عمومی جامعه مسلمین است.

ادله جرم‌انگاری افساد فی الارض

فقهای امامیه، دلایلی برای جرم‌انگاری افساد فی الارض بیان می‌دارند که ذیلاً برخی از آن‌ها گزارش می‌شود:

الف) آیه شریفه ۳۳ سوره مبارکه مائده

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ کیفر آنان که با خدا و پیامبر به جنگ برمی‌خیزند و در زمین به فساد دست می‌زنند، این است که اعدام گردند یا به دار آویخته شوند یا چهار انگشت از دست راست و پای چپ آنان بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند؛ این، رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت مجازات بزرگی دارند.

از ظهور عرفی آیه شریفه سی و سه سوره مبارکه مائده، با توجه به تعلیق جزاء بر صله و ذکر سعی بر افساد فی الارض در صله، چنین استنباط می‌شود که سعی برای

تحقق فساد، علت جرم‌انگاری و تعیین مجازات است. از سوی دیگر، اطلاق واژه فساد در آیه شریفه مذکور، همان‌گونه که مصادیق سنتی افساد را در بر می‌گیرد، مصادیق نوین افساد؛ مانند افساد از طریق اقدامات نرم را نیز در شمول خود دارد. ازاین‌رو، آیه شریفه سی و سه سوره مبارکه مائده، در مقام جرم‌انگاری افساد فی الارض، به صورت عام و مطلق است (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۷۹؛ بحرانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۷۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۱۶؛ حویزی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۶۱۷؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۵۰۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۶۳۹؛ مؤمن، ۱۳۸۲، ش ۳۵، ص ۳۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۵؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۷، ش ۹، ص ۴۶ و محمدی گیلانی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۹).

بدیهی است که مقابله و مبارزه با اخلال‌گران در نظم عمومی جامعه اسلامی، از وظایف و تکالیف حکومت اسلامی است. با توجه به تفسیر بیان‌شده برای اختلال شدید در نظم عمومی و شمول افساد فی الارض نسبت به آن، تردیدی نیست که خداوند متعال، در آیه شریفه سی و سه سوره مبارکه مائده، اقدامات اخلال‌گران را در نظم عمومی جامعه اسلامی، در قالب افساد فی الارض، جرم‌انگاری و کیفرگذاری کرده است. مجازات‌های بیان‌شده در آیه شریفه مذکور، نشان از شدت اهتمام شارع مقدس بر امر حفظ نظم عمومی و منع اختلال در آن دارد. بنابراین، یکی از مفاهیم مستنبط از جمله «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا»، جرم‌انگاری اختلال شدید در نظم و امنیت عمومی و نظام و انتظام اجتماعی است، از این رو است که ارتکاب امور خلاف نظم عمومی که ایجاد هیجان و تشنج اجتماعی را به همراه دارد، در ادبیات فقه جزایی ممنوع است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۴۹۷ و جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۷۱۷) و فقیهان امامیه، تأمین امنیت جامعه و مقابله با اخلال‌گران را در نظم عمومی، واجب و از مسلمات فقه می‌دانند و هر اقدامی را ممنوع اعلام می‌کنند که موجب اختلال و برهم‌ریختن نظام جامعه گردد؛ چنان‌که رفتار و اعمال مفسدان را که به گسترش فساد در اجتماع می‌گراید، خروج جامعه از

اعتدال و آرامش و موجب اختلال شدید در نظم عمومی جامعه اسلامی بیان می‌دارند و حفظ و تأمین امنیت روانی و آسایش عمومی و منع اختلال در نظم عمومی جامعه اسلامی را از وظایف اساسی دولت اسلامی و مسلمانان اعلام می‌کنند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۹۷؛ حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۹؛ نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۱۵، ص ۱۹ و امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۰-۱۹).

ب) روایات

در منابع و مجامع احادیث فقهی، شماری از روایات وجود دارد که جهات و احکام جزایی مفسد فی الارض را بیان می‌دارند و بدین شیوه، به جرم‌انگاری افساد فی الارض می‌پردازند (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۳۱۹) که برای نمونه به دو روایت زیر اشاره می‌شود:

۱. روایت فضل بن شاذان: عبد الواحد بن محمد بن عبدوس، عن علی بن قتیبه النیشابوری، عن فضل بن شاذان، عن الرضا ۷ قال: «فلا يجوز قتل احد من النصاب و الكفار فی دار التقیة الا قاتل او ساع فی فساد، اذا لم تخف علی نفسک و علی اصحابک» (صدوق، ۱۳۸۹(الف)، ج ۲، ص ۲۲۰ و همو، ۱۳۸۹(ب)، ج ۲، ص ۴۲۴)؛ شیخ صدوق، به سند روایی مذکور، به فضل بن شاذان، از امام رضا ۷ چنین روایت می‌کند که فضل بن شاذان می‌گوید: امام رضا ۷ فرمودند: کشتن ناصبی و کافر، در دارالتقیه جایز نیست، مگر این‌که قاتل و یا مفسد فی الارض باشد؛ تا زمانی که بر جان خود و اصحابت بیم‌ناک نبودی.

در این روایت که از جهت سندی صحیح است (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۷۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۷؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۸۴؛ مؤمن، ۱۴۱۵ق، ص ۴۱۵ و هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۷، ش ۱۳، ص ۲۸)، استثنای اجازه قتل مفسد فی الارض در دارالتقیه، بر جرم‌انگاری افساد فی الارض و شدت اعمال ارتكابی و رفتار مفسدان، ظهور و دلالت دارد و بسی آشکار است، وقتی کشتن مفسد فی

الأرض، در دار التقيه جایز است، به طریق اولی، در دار الامان، جایز است (مؤمن، ۴۱۵ق، ص ۴۱۵).

۲. روایت امام علی ۷:

«ألا و قد أمرني الله بقتال أهل البغى و النكث و الفساد فى الأرض» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)؛ آگاه باشید! خداوند، مرا به جنگ با سرکشان تجاوزکار، پیمان‌شکنان و فسادکنندگان در زمین فرمان داد.

جمله «قد أمرني الله بقتال أهل ... الفساد فى الأرض» در کلام امام علی ۷، صراحت در جرم‌انگاری افساد فی الارض دارد؛ چه این‌که قتال، واکنش شدید برابر جرم است و تنها هنگامی می‌توان به قتال مفسدان فی الارض دست یازید که شارع مقدس، افساد فی الارض را جرم‌انگاری کرده باشد.

لازم به ذکر است، امام علی ۷، از این‌رو، اعمال و رفتار و اقدامات خوارج را در جامعه اسلامی به افساد فی الارض، همانند می‌کنند و به آن تعبیر می‌آورند که موجبات اختلال و هرج و مرج در جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد و این، خود دلیلی آشکار است که اختلال در نظم عمومی، مصداقی از مصادیق جرم افساد فی الارض است (مؤمن، ۱۳۸۲، ش ۳۵، ص ۳۸۶).

بنابراین، مفاد دو روایت فوق، به ظهور خود، از جرم‌انگاری افساد فی الارض و مسؤولیت کیفری و قابلیت مجازات مفسدان فی الارض سخن می‌راند. روایات مذکور، قتل را مجازات و واکنش کیفری علیه مفسدان فی الارض بیان می‌دارند و بدین شیوه، به جرم‌انگاری و کیفرگذاری افساد فی الارض می‌پردازند که اگر اراده تشریحی شارع مقدس، بر جرم‌انگاری و کیفرگذاری افساد فی الارض نبوده، ائمه اطهار، جنگ با مفسدان و کشتن آنان را تجویز نمی‌کردند (مؤمن، ۱۳۸۲، ش ۳۵، ص ۶۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶، ش ۱۲، ص ۲۹ و بای، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

ج) بنای عقلا

عقلای عالم از هر صنف و کیشی، در همه ادوار تاریخ، بر ضرورت و لزوم حفظ

آرامش، نظم و امنیت عمومی و نیز پرهیز از بی‌نظمی و هرج و مرج، اتفاق نظر دارند و همواره می‌کوشند نظام زندگی اجتماعی خود را از هر آسیبی حفظ کنند و اگر کسی خلاف این قاعده عمل کند، او را مستحق سرزنش، توبیخ و مجازات می‌دانند؛ چه این‌که عقلای عالم، هر اقدامی را در راستای حفظ نظم عمومی، مستحق مدح می‌دانند و متقابلاً، هر اقدامی که به هرج و مرج و بی‌نظمی و اختلال در نظم عمومی منجر می‌شود، مستحق ذم می‌شمارند. از این رو، جلوگیری از شیوع آسیب‌های اجتماعی و گسترش فساد در جامعه که به اضمحلال و ایجاد انحطاط اخلاقی میان مردم می‌گراید و به برهم‌زدن امنیت روانی و اخلاقی و خروج جامعه از اعتدال منجر می‌گردد، از وظایف اصلی و اساسی همه حکومت‌ها است؛ بدین جهت، واکنش اجتماعی و برخورد دولت‌ها با مفسدان و ناقضان امنیت روانی مردم، بسیار شدید است و نوعاً، به ریشه‌کن کردن آن، مبادرت می‌ورزند.

بنابراین، بسی روشن است که مقابله با مفسدان و جرم‌انگاری رفتار آنان، نشأت گرفته از سیره عقلا است و تعیین و اعمال شدیدترین مجازات‌ها، در سیاست جنایی و کیفری حکومت‌ها و نظام‌های حقوق کیفری، بر همین اصل استوار است. قبح عقلی عدم مبارزه و مقابله با مفسدان و عدم جرم‌انگاری رفتار و اقدامات آنان، بسی واضح و آشکار است؛ چنان‌که در قرآن کریم (غافر (۴۰): ۲۶) نیز به نقل از فرعون، از جمله دلایل و توجیهاات مورد تمسک فرعون، برای جرم‌انگاری و مقابله و واکنش برابر انجام رسالت حضرت موسی ^۷ و توجیه کشتن وی، جلوگیری از ایجاد فساد در زمین بیان شده است (مؤمن، ۱۳۸۲، ش ۳۵، ص ۳۱).

براندازی نرم و افساد فی الارض

اکنون، پس از تعریف و تبیین مفهوم هر یک از افساد فی الارض و براندازی نرم و نیز بیان ویژگی‌های آن‌ها، می‌توان برای اثبات انطباق براندازی نرم نظام اسلامی با جرم افساد فی الارض، به منظور جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، در قالب جرم افساد فی الارض، به موارد زیر استدلال آورد:

۱. انطباق تعریف افساد فی الارض بر براندازی نرم

التفات به تعریف و مقایسه براندازی نرم نظام اسلامی، با جرم افساد فی الارض، انطباق و هم‌پوشانی تعریف افساد فی الارض را بر براندازی نرم نظام اسلامی نمایان می‌سازد و براندازی نرم نظام اسلامی را از مصادیق نوین جرم افساد فی الارض و در شمول ادله جرم‌انگاری آن قرار می‌دهد؛ چه این‌که افساد فی الارض، به ارتکاب هر عملی اطلاق می‌شود که موجبات فساد گسترده را در سطح اجتماع فراهم می‌آورد؛ به نحوی که تباهی و اختلال شدید را در نظم عمومی جامعه در پی دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۹۱؛ صدوق، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۱۳؛ همو، ۱۳۶۵ق، ج ۱۰، ص ۲۳۱ و ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۴۱۷) و براندازی نرم نظام اسلامی نیز سلسله اقدامات و عملیاتی است که با هجمه به نظام باورها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، از طریق فراهم آوردن زمینه‌های فساد، به صورت گسترش و ترویج ناهنجاری‌های اجتماعی در حد وسیع، موجب اختلال در آسایش همگانی مردم و نظم عمومی جامعه می‌گردد.

۲. شمول ادله جرم‌انگاری افساد فی الارض نسبت به براندازی نرم

از اطلاق و عموم آیه شریفه سی و سه سوره مبارکه مائده که فساد را به صورت مطلق و عام بیان می‌دارد و از این رو، شامل هر نوع رفتار و اعمالی است که موجبات گسترش فساد و تباهی را در جامعه و اختلال در نظم عمومی، فراهم می‌آورد و با توجه به مفاد روایاتی که در باب افساد فی الارض وارد شده است، چنین استنباط می‌شود که شرط تحقق جرم افساد فی الارض، وسعت تأثیرگذاری و شدت و گستردگی فساد در جامعه است؛ به نوعی که موجبات اختلال شدید را در نظم عمومی اجتماع فراهم آورد. از آن‌جا که براندازی نرم نظام اسلامی، مآلاً به اختلال شدید در نظم عمومی می‌گراید و براندازان نرم نظام اسلامی، با تهاجم به نظام ارزشی و فکری و اعتقادی مردم، در پی ترویج، تشویق و تحریک به فساد و فراهم آوردن زمینه‌های ارتکاب فساد در حد وسیع، تحقق آن را دنبال می‌کنند - که در روایات، از این ترویج گسترده فساد، به افساد فی الارض، نام برده می‌شود - تردیدی وجود ندارد که براندازی نرم، یکی از

مصادیق و شیوه‌های نوین افساد فی الارض است و تحت شمول عنوان مجرمانه افساد فی الارض قرار دارد.

بنابراین، بسی آشکار است که عموم و اطلاق آیات و روایات جرم‌انگاری افساد فی الارض، براندازی نرم نظام اسلامی را نیز در بر می‌گیرد و در نتیجه مجازات و واکنش کیفری بیان‌شده برای جرم افساد فی الارض، در خصوص براندازان نرم نظام اسلامی نیز جاری است و اقدامات براندازان نرم نظام اسلامی، همان مسؤولیت و مجازات و واکنش کیفری را برای آنان در پی دارد که رفتار مفسدان، به جهت افساد فی الارض دارد.

هم‌چنین تردیدی نیست که براندازی نرم، از موارد نمایان نقض و اقدام آشکار علیه امنیت اجتماعی و اختلال شدید در نظم عمومی است و رفتار براندازان نرم نیز تجلی و ظهور فعلی و عملی نیت سوء و حالت خطرناک آنان است و از این رو، عقل به قبح براندازی و اقدامات براندازان و نیز حسن دفع و لزوم مبارزه و مقابله با براندازی نرم و رفتار براندازان نرم و در نتیجه جرم‌انگاری و کیفرگذاری آن حکم می‌دهد.

با توجه به قبح عقلی عدم جرم‌انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم نظام اسلامی، از آن‌جا که جرم‌انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم نظام اسلامی، در قانون مجازات اسلامی و متون روایی و فقهی مصرح نیست و با التفات به این‌که میان جرایم موجود و مذکور در قانون مجازات اسلامی و متون روایی و فقهی، جرم افساد فی الارض، از جهت توصیف و نتیجه مجرمانه و نیز ملاک، مصلحت و ضرورت جرم‌انگاری و مقابله و مبارزه با آن، به گونه‌ای است که براندازی نرم، بیش‌ترین نزدیکی و همانندی را با آن دارد، عقل، جرم‌انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم را در قالب افساد فی الارض تجویز می‌کند.

شاید در نگاه نخست، این گونه به نظر رسد که جرم‌انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، در قالب جرم افساد فی الارض، به جهت امکان اجرای اصل برائت عقلی منتفی است؛ چه این‌که براندازی نرم نظام اسلامی، در شمول عنوان عدم بیان از جانب

شارع قرار دارد؛ زیرا در خصوص جرم‌انگاری براندازی نرم، بیانی از جانب شارع نرسیده است؛ چون در زمان شارع، براندازی نرم نظام اسلامی وجود نداشت، تا این‌که بتوان حکم افساد فی الارض را بر آن حمل کرد. ازاین‌رو، با توجه به نوظهوربودن براندازی نرم نظام اسلامی، جرم‌انگاری آن در قالب افساد فی الارض، مجرای برائت عقلی است و این اقدام، مصداق بارز قبح عقاب بلا بیان است.

اما سخن مذکور، پنداری ناپذیرفتنی است؛ چه این‌که جرم افساد فی الارض و براندازی نرم، از ماهیت واحدی برخوردار هستند. در پی پیشرفت علم و فناوری، مصادیق جرائمی؛ مانند افساد فی الارض، به اشکال و صور مختلف، ظهور و بروز می‌یابند و در این ظهور و بروز نوین، تنها و تنها، شیوه و شکل جرم تغییر می‌یابد و ماهیت آن هم‌چنان ثابت و باقی است.

افزون بر این، بنای عقلا و ارتکازات عرفی، براندازی نرم نظام اسلامی را جرمی منطبق با عنوان مجرمانه افساد فی الارض تلقی می‌کند که شارع نیز آن را ردع نکرده است. توجه به این نکته لازم است که فرعون، در توجیه مقابله و جرم‌انگاری رسالت حضرت موسی 7 که آن را براندازی نرم حکومت ظالمانه خود می‌دانست، به همین بنای عقلا و ارتکاز عرفی تمسک جست و رسالت حضرت موسی را افساد فی الارض خواند (غافر(۴۰): ۲۶).

بنابراین، با صدور بیان کلی از ناحیه شارع و الغای خصوصیت از موارد موجود افساد فی الارض، موضوع برائت عقلی متفی است.

۳. انطباق ویژگی‌های افساد فی الارض بر براندازی نرم

مطالعه تطبیقی ویژگی‌های تحقق هر یک از افساد فی الارض و براندازی نرم نظام اسلامی نشان می‌دهد که ویژگی‌های تحقق براندازی نرم نظام اسلامی، همانند ویژگی‌های افساد فی الارض و بلکه مندرج در آن است و در نتیجه از این واقعیت، حکایت می‌کند که براندازی نرم نظام اسلامی، از مصادیق نوین جرم افساد فی الارض و در شمول ادله جرم‌انگاری آن قرار دارد؛ چه این‌که تحقق براندازی نرم نظام اسلامی،

همانند تحقق افساد فی الارض، به گسترده و وسیع بودن فساد و تأثیر آن در سطح جامعه و اختلال شدید در نظم عمومی جامعه مشروط است.

هرچند که عملیات اجرایی براندازی نرم نظام اسلامی، با هجمه به نظام باورها، هنجارها و ارزش‌های حاکم در جامعه، از طریق ترغیب به فساد و فراهم آوردن زمینه‌های فساد، در حد وسیع و به صورت گسترده با توسل به ابزارها و فناوری‌های پیشرفته امروزی؛ مانند شبکه‌های ماهواره‌ای، اجتماعی و فضای مجازی، آغاز و به اختلال شدید در نظم عمومی و مآلاً سرنگونی نظام اسلامی منتهی می‌شود.

۴. وحدت ملاک بین افساد فی الارض و براندازی نرم

احکام کیفری در فقه جزایی اسلام، بر جلب مصالح و دفع مفسد استوار است. خداوند متعال، برای انتظام امور بندگان و رفع فتنه و فساد در زمین، احکام کیفری حدود، قصاص و دیات را وضع و تشریح کرده است تا زاجر نفوس شریه از ارتکاب فتنه و فساد و داعی به سلوک طریق صلاح و سداد باشد. به عبارت دیگر، هر قاعده حقوق کیفری و یا هر حکمی که قانون‌گذار، در حوزه جرم‌انگاری و کیفرگذاری، تشریح و قانون‌گذاری می‌کند، برای حفظ مصلحت یا جلب منفعت و یا دفع مفسده‌ای است. از این رو، مبنای احکام در فقه جزا و حقوق کیفری، حفظ مصالح جامعه و دفع مفسد نوعی است که نظم عمومی نیز بر آن مبتنی است. بنابراین، جرم؛ یعنی ارتکاب هر رفتاری که مانع تحقق مصلحت و یا موجب مفسده نوعی است (مجلسی، بی‌تا، ص ۱۰ و حبیب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸).

با توجه به آیه شریفه سی و سه سوره مبارکه مائده و روایات باب افساد فی الارض و ویژگی‌های افساد فی الارض، می‌توان گفت افساد فی الارض، به جهت برهم زدن امنیت اجتماعی و آسایش عمومی جامعه، در پی اختلال شدید در نظام اجتماعی و نظم عمومی، از طریق به‌فساد کشیدن جامعه در حد وسیع، حرام و مستوجب تعیین مجازات است. از این رو، می‌توان ملاک جرم‌انگاری افساد فی الارض را در این امر دانست که مفسدین فی الارض، با ارتکاب اعمال و انجام اقدامات خود که موجب گسترش فساد

در جامعه می‌شوند، با اختلال در ارکان نظام اجتماعی و نظم عمومی، امنیت اجتماعی و آسایش عمومی جامعه اسلامی را به مخاطره می‌افکنند (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸م، ج ۴۸، ص ۱۳۱).

این ملاک، در براندازی نرم نظام اسلامی نیز قابل مشاهده و کاملاً بر آن منطبق است؛ چه این‌که براندازان نرم نظام اسلامی، با ارتکاب و اجرای سلسله اقداماتی جهت سلب سلامت معنوی و اخلاقی جامعه، موجب گسترش فساد در جامعه می‌شوند و با اختلال در ارکان نظام اجتماعی و نظم عمومی، امنیت اجتماعی و آسایش عمومی جامعه اسلامی را به مخاطره می‌افکنند.

بنابراین، از اشتراک ملاک بین افساد فی الارض و براندازی نرم نظام اسلامی، به دست می‌آید که براندازی نرم نظام اسلامی، مصداق و جلوه نوین جرم افساد فی الارض است و در شمول جرم‌انگاری و کیفرگذاری آن قرار دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی نوع جرم براندازی نرم نظام اسلامی، مقصود، تعیین عنوان مجرمانه‌ای است که می‌توان براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی ایران را در شمول آن جای داد و به استناد آن، واکنش کیفری برابر اقدامات براندازان نرم نظام جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرد. بی تردید، جرم افساد فی الارض، به مدد شمول و اطلاق خود، ارتکاب رفتارهایی خلاف شرعی است که با قصد ایجاد فساد به صورت گسترده، موجب اختلال شدید در نظام اجتماعی و نظم عمومی و سلب ثبات و قرار از مردم و به مخاطره‌افکندن امنیت اجتماعی و آسایش عمومی جامعه اسلامی است؛ چنان‌که مستفاد از تفسیر توسیعی آیه شریفه سی و سه سوره مبارکه مائده و روایات باب افساد فی الارض، همین معنا است.

التفات به ویژگی‌های مذکور برای جرم افساد فی الارض که بر براندازی نرم نظام مشروع اسلامی هم‌پوشانی دارد و نیز توجه به شمول ادله جرم‌انگاری افساد فی الارض، نسبت به براندازی نرم، در کنار انطباق تعریف افساد فی الارض، بر براندازی

نرم نظام مشروع اسلامی و ملاحظه جریان ملاک جرم‌انگاری افساد فی الارض در براندازی نرم نظام مشروع اسلامی نمایان می‌دارد که براندازی نرم نظام مشروع اسلامی، از مصادیق نوین جرم افساد فی الارض است و این واقعیت، انطباق براندازی نرم نظام مشروع اسلامی را با افساد فی الارض و امکان جرم‌انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم نظام اسلامی را در قالب جرم افساد فی الارض به اثبات می‌رساند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آقابابایی، حسین، بررسی فقهی - حقوقی جرم براندازی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۶.
۴. ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲ و ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۵. ابن براج، عبد العزیز بن براج، المهذب، ج ۱ و ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن حمزه، محمد بن علی، الوسيلة، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۷. ابن زهره، حمزة بن علی، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق ۷، ۱۴۱۷ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳ و ۱۲، بیروت: دار الفکر، ج ۳، ۱۴۱۴ق.
۹. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۵، ۱۳ و ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵، ۱۴۱۶ق.
۱۱. انگوتی گلنگدری، محمدرضا، جنگ، نرم جنگ اراده‌ها، تهران: انتشارات آوازه ابریشمی، ۱۳۹۶.
۱۲. بای، حسینعلی، جرایم علیه امنیت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۳. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: مؤسسه علمی، ۱۴۲۷ق.
۱۴. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ج ۸، ۱۳۸۱.

۱۶. جمعی از نویسندگان، گذر از فتنه ۸۸، تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه سپاه، ۱۳۸۸.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۲۲، قم: اسراء، ۱۳۹۹.
۱۸. حائری طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۱۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۱۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
۲۰. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۹، بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ج ۲، ۱۴۱۲ق.
۲۱. حسینی شیرازی، سیدمحمد، الفقه، ج ۴۸، بیروت: دارالعلوم، ج ۲، ۱۹۸۸م.
۲۲. حللی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین ۷، ۱۴۰۳ق.
۲۳. حویزی، عبدالعلی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، قم: دار التفسیر، ۱۳۸۳ق.
۲۴. خوری، سعید، اقرب الموارد، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۴ق.
۲۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۳ و ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۴ق.
۲۷. رستمی، محمود، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران: انتشارات ایران سبز، ج ۲، ۱۳۸۶.
۲۸. زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات جنگل، ج ۲، ۱۳۹۴.
۲۹. سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، بیروت: مؤسسه اهل بیت، ۱۴۰۹ق.
۳۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۳ و ۲، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۱. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبارالرضا، ج ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹(الف).
۳۲. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۹(ب).
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۵، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۵، ۱۳۷۰.
۳۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۶، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ج ۳، ۱۴۱۶ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، ج ۹، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۹۰ق.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۴ و ۱۰، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ج ۴، ۱۳۶۵ق.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۲، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ج ۳، ۱۳۷۸ق.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، **النهاية**، بیروت: دارالکتاب العربی، ج ۲، ۱۴۰۰ق.
۴۰. عرف، جمال، **انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
۴۱. علامه حلّی، حسن بن یوسف، **ارشاد الاذهان**، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۲. علامه حلّی، حسن بن یوسف، **تحریر الاحکام**، ج ۴، قم: مؤسسه امام صادق ۷، ۱۴۲۰ق.
۴۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف، **مختلف الشیعة**، ج ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۳ق.
۴۴. عمید زنجانی، عباسعلی، **فقه سیاسی**، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۴، ۱۳۸۴.
۴۵. فاروقی، حارث سلیمان، **المعجم القانوني**، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۸ م.
۴۶. فاضل لنکرانی، محمد، **تفصیل الشریعة (کتاب الحدود)**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ج ۳، ۱۴۲۲ق.
۴۷. فاضل هندی، محمد بن حسن، **کشف اللثام**، ج ۲، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۴۸. فخر المحققین، محمد بن حسن، **ایضاح الفوائد**، ج ۴، قم: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۹ق.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، ج ۷، قم: نشر هجرت، ج ۲، ۱۴۰۹ق.
۵۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحيط**، تهران: دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
۵۱. فیض کاشانی، ملامحسن، **تفسیر صافی**، ج ۲، تهران: مؤسسه الهادی، ج ۲، ۱۴۱۶ق.
۵۲. قاضی، ابوالفضل، **کلیات حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۵۳. قهرمان پور، عسکر، **دانشنامه قدرت نرم**، تهران: دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۳.
۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، ج ۱، قم: دارالکتاب، ج ۳، ۱۴۰۴ق.
۵۵. قمی، علی بن محمد، **جامع الخلاف و الوفاق**، قم: زمینه سازان ظهور، ۱۳۷۹ق.
۵۶. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۱، تهران: بهنشر، ج ۲، ۱۳۷۲.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۷، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ج ۳، ۱۴۰۷ق.
۵۸. کیدری، قطب الدین، **اصباح الشیعة بمصباح الشریعة**، قم: مؤسسه امام صادق ۷، ۱۴۱۶ق.
۵۹. گلپایگانی، سیدمحمد رضا، **الدر المنضود**، ج ۳، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
۶۰. گلدوزیان، ایرج، **حقوق جزای اختصاصی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۸، ۱۳۸۰.

۶۱. مجلسی، محمدباقر، **حدود و قصاص و دیات**، تحقیق علی فاضل، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۶۲. محمدی گیلانی، محمد، **حقوق کیفری در اسلام**، تهران: نشر سایه، ۱۳۶۲.
۶۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۴ و ۱، تهران: انتشارات استقلال، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۶۴. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن، «محاربه و افساد فی الارض»، **ماهنامه دادرسی**، ش ۹، ۱۳۷۷.
۶۵. مرعشی نجفی، سیدشهاب‌الدین، **القصاص علی ضوء القرآن و السنة**، ج ۱، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ق.
۶۶. مصطفوی، سیدحسن، **التحقیق فی کلمات القرآن**، ج ۹، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۲ق.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، **استفتائات جدید**، ج ۲، قم: انتشارات مدرسه امام علی ۷، چ ۲، ۱۴۲۷ق.
۶۸. منتظری، حسینعلی، **دراسات فی ولاية الفقیه**، ج ۱، قم: نشر تفکر، چ ۲، ۱۴۰۹ق.
۶۹. امام خمینی، سیدروح‌الله، **کتاب البیع**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۷۰. امام خمینی، سیدروح‌الله، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۵، ۱۳۷۶.
۷۱. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، **صراط النجاة (محشی)**، ج ۱، قم: مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶ق.
۷۲. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، **مبانی تکملة المنهاج (موسوعة الامام الخویی)**، ج ۴۱، قم: مؤسسه خویی، ۱۴۱۸ق.
۷۳. موسوی عاملی، سیدمحمدبن علی، **مدارک الاحکام**، ج ۶، بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ق.
۷۴. مؤمن، محمد، **کلمات سدیده**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۷۵. مؤمن، محمد، «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، **مجله فقه اهل بیت**، ش ۳۵، ۱۳۸۲.
۷۶. نائینی، محمدحسین، **تنبيه الامة و تنزيه الملة**، تصحیح و تحقیق سیدجواد ورعی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.

۷۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۵، ۲۱، ۴۱ و ۴۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چ ۳، ۱۳۶۷ق.
۷۸. واسطی زبیدی، سیدمحمد مرتضی، تاج العروس، ج ۵، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۷۹. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، ج ۳، قم: مدرسه امام باقر ۷، چ ۵، ۱۳۲۸ق.
۸۰. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران: نشر دادگستر، چ ۳، ۱۳۷۷.
۸۱. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، بایسته‌های فقه جزاء، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸.
۸۲. هاشمی شاهرودی، «محارب کیست، محاربه چیست»، مجله فقه اهل بیت : سال سوم، ش ۱۲، ۱۳۷۶.
۸۳. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، «محارب کیست محاربه چیست؟»، مجله فقه اهل بیت : سال چهارم، ش ۱۳، ۱۳۷۷.

